

سرمقاله

پارلمان و کارهای ناتمام

محمد رضا هویدا

پارلمان زمانی یک سال کاری را به اتمام رسانید و به رخصتی زمستانی رفت که کارهای مهم زیادی باقی مانده بود و می بایست به پایان برسد. البته قبل از هر چیزی ولسی جرگه باید اعضای هیئت اداری را انتخاب کند که خود یک امر وقت گیر و پر جنجال برای پارلمان است. هر ساله انتخاب هیئت اداری به یکی از جنجالی ترین کارهای پارلمان مبدل می شود.

معمولا اعضای شورای ملی در رخصتی های زمستانی و تابستانی به ولایات خود می روند و مشکلات مردم را با دقت و وقت کافی بررسی کرده و با درک و دریافت درست و دقیق به پارلمان می آیند و می توانند از وضعیت ولایات خود تصور کاملا دقیق داشته باشند. وکلا در این مدت کاملا وقت خود را در میان مردم می گذرانند و تمام تلاش خود را به خرج می دهند تا اوضاع ولایت شان را به طور کامل در بیاورد. و شاید هم مدتی لازم باشد تا موضوعات و مشکلات مردم دسته بندی و اولویت بندی شده تا برای پیگیری و تعقیب راحت تر باشد.

گزارش ها حاکی است که دهها تن از وکلا نه تنها به ولایات خود نرفته اند بلکه حتا در داخل از کشور نیز به سر نبرده اند و بدین جهت آن همه عجله در آخرین روزهای کاری سال گذشته پارلمان شاید به خوبی قابل درک باشد که چرا این همه عجله وجود داشته است.

بدین جهت کسانی که به نمایندگان رای داده اند تا از مشکلات شان نمایندگی کنند و دردها و رنج های آنان را به حکومت برساند و از آنها وکالت کند تا حقوق شان اعاده شود، باید همانند ساهای گذشته، بیشتر شاهد غیر حاضری ها و بی توجهی های نمایندگان باشند.

با آنهم، بخشی از نمایندگان که به مناطق وکالت شان رفته اند و از اوضاع آن مناطق گزارش گرفته اند می بایست به اولویت های مردم رسیدگی کنند. موضوعات طرح شود و به مشکلات که مشکلات اکثر ولایات و ولسوالی های کشور است راه حل های درست و اساسی پیدا شود.

پس از تکمیل اعضای هیئت اداری، پارلمان به کارهای زیادی باید رسیدگی کند. اعضای کابینه ناتمام مانده است و کابینه با کمتر از نصف اعضای خود به کار مصروف است. هنوز هم بعد از ماه ها از عمر دولت وحدت ملی، کابینه ناتکمیل است و حکومت با سرپرست ها به کار خود ادامه می دهد که زندگی را بر مردم سخت و دشوار ساخته است.

وزارت خانه هایی که با سرپرست اداره می شوند به عبارتی دیگر، پاسخگویی به پارلمان ندارند و از طرفی نیز اجازه کار به صورت کامل را نیز از دولت ندارند به همین جهت وضعیت کاری در وزارت خانه هایی که با سرپرست ها اداره می شود به شدت ناپسند است. بر فرض اینکه حکومت وحدت ملی به زودی اعضای باقی مانده کابینه را به پارلمان معرفی کند، برخورد پارلمان با نامزد وزیران نیز تعیین کننده زمان پروسه رای اعتماد به نامزد وزار خواهد بود.

نظارت بر اعمال حکومت که باید دقیق و جدی باشد نیز نیاز دارد تا شماری از وازرت خانه ها و ادارات به ولسی جرگه خواسته شده تا نسبت به کارکردهای آنها تصمیم گرفته شود. به نظر می رسد در قدم اول، ادارات امنیتی مورد پرسش ولسی جرگه خواهند بود. و البته وکلا نسبت به مسایلی نظیر بی برقی و ضعف های شرکت برشنا نیز عطف توجهی خواهند داشت.

علاوه بر اینها، حکومت وحدت ملی وعده های زیادی داده است که باید به آنها عمل کند.

رفع بی عدالتی و تبعیض، توجه به اولویت های اساسی بازسازی در تمام نقاط کشور، مبارزه با هر نوع ناامنی و دهشت افگنی و... که در شمارهای حکومت وحدت ملی بوده است باید توسط وکلا جدا نظارت شود.

موضوع دیگری که باید از سوی وکلا به صورت جدی تعقیب شود، قوانینی است که سالها در اتاق های ولسی جرگه بی سرنوشت هستند.

این قوانین همانند قانون تحصیلات عالی و... با آنکه نیاز مبرمی به وجود آنها می باشد، اما وکلا در گیرودار تعصبات و فزون خواهی های شماری، همچنان بلا تکلیف مانده اند.

هرساله از روز جهانی همبستگی زنان (۸ مارچ) از گوشه و کنار جهان تجلیل بعمل می آید. در افغانستان نیز بیش از یک دهه بدین سوری از این روز تجلیل می گردد. بدون شک پرداختن به مسایل انسانی و حقوق انسان در ادبیات سیاسی و اجتماعی کشور در طی یک دهه اخیر از دست آوردهای عمده و مهم دوره نوین سیاسی کشور به شمار می آید. زیرا یکی از چالش های عمده جامعه از گذشته های دور این بوده است که بسیاری از مفاهیم و ارزش های انسانی در عرصه های مختلف مغفول مانده بود و تأثیر از مسئله بر روش ها و وضعیت عمومی نیز ناگزیر بوده است. اما طرح این مسایل در دور جدید سیاسی هر چند یک امر مثبت و قابل توجه شمرده می شود اما دربارہ دست آورد و نتایج ملموس آن تا قددهای جدی وجود دارد.

از مجموع نگرانی های موجود در کشور، نگرانی در مورد وضعیت حقوقی و اجتماعی زنان بیش از همه آشکار می باشد. هرچند وضعیت کلی زنان در کشور از لحاظ حقوق سیاسی و اجتماعی و به معنای کلی تر وضعیت حقوق بشری آنان در طول تاریخ کشور قابل قبول نبوده و با سستمها و خشونت های تسکان دهنده و فاجعه بار همراه بوده است، ولی طی یک دهه گذشته زیربناهایی یک تغییر بنیادینی گذاشته شده بود که راه را برای بهبود بخشیدن به وضعیت زنان و دست یابی آنان به حقوق شهروندی شان هموار می گردید. اما نگرانی های بوجود آمده این احتمال را قوت می بخشد که همین اندک دست آوردهای چندسال گذشته که بسیار شکننده و آسیب پذیر هم می باشند، وضعیت زنان کشور را بیش از گذشته دچار بحران و فاجعه گرداند. مطرح دیدگاه های زن ستیزانه و حمایت و تقویت آن از سوی برخی از مراجع رسمی و غیررسمی کشور و محدود شدن بیش از پیش فعالیت های زنان در عرصه های مختلف نشان از آینده ناخوشایند و تاریک دربارہ سرنوشت زنان کشور دارد. پرداختن و توجه به این

موضوع از آنجایی دارای اهمیت می باشد که در دوران معاصر شاخصه های گوناگونی درباره سرچش چگونگی وضعیت انسانی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در سطح بین المللی مطرح گردیده است. وضعیت زنان در هر جامعه یکی از معیارها و سنجشهایی است که چگونگی وضعیت کلی آن جامعه و کشور بوسیله آن مورد ارزیابی قرار می گیرد. به معنای دیگر نتایج یک ارزیابی از وضعیت زنان در هر کشوری نشان دهنده چگونگی روند توسعه انسانی و اجتماعی و سیاسی در آن جامعه دانسته می شود. به این جهت نگرانی که امروز دربارہ فردای وضعیت زنان در کشور مطرح می باشد، این نگرانی در واقع بخشی از نگرانی درباره وضعیت کلی جامعه می باشد. چالش های

که امروزه بر سرراه توسعه حقوق انسانی زنان وجود دارد، در واقع مانعی بر سرراه توسعه همگانی جامعه نیز شمرده می شود. خشونت هایی که در مورد تقض صریح « قانون محو خشونت علیه زنان » در حالی صورت می گیرد که افغانستان این قانون را در سال ۲۰۰۹ بصورت رسمی پذیرفته و تعهد خود را در رعایت آن اعلام داشته است. در این قانون مواردی هم چون ازدواج زیر سن قانونی، ازدواج اجباری، بد دادن (ازدواج برای حل منازعه) و زمینه سازی برای خودسوزی زنان اعمال جرمی دانسته شده است. اعمالی چون تجاوز به عنف و ضرب و جرح زنان نیز جرم پنداشته شده و برای مرتکبین آن مجازات در نظر گرفته شده است. ممنونیت از مجازات برای عاملان خشونت و تجاوز به زنان در کشور، یکی از موارد بسیار آشکار نقض حقوق شهروندی و زیرپا نهادن قانون منع خشونت علیه زنان در کشور عدلی و قضایی می باشد. ضعیف نظام قضایی و پیروی از سنت های قبیله ای و عرف های ناپسند اجتماعی در بسیاری از ولایات و حتا مرکز کشور؛ روز به روز روند زن ستیزی و نقض حقوق و قوانینی که بر مصونیت قانونی آنان تاکید دارد، را

هشت مارچ، از واقعیت تا شعار!

عبدالله هروی



پرسش مطرح کرده که دست آورد واقعی این همه محافل و همایش های گوناگون که در ارتباط با حقوق زنان و حمایت از آنان برگزار گردیده است چیست؟ چرا میزان جرم و خشونت و تبعیض علیه زنان روبه افزایش است؟ آیا مشکل در روش های حکومت است یا عدم حاکمیت قانون؟ چرا نگرانی ها نسبت به وضعیت زنان هر روز در حال افزایش است؟ نقش و کارکرد نهادهای حقوق زن و نهادهای مدنی در این رابطه چیست؟ جامعه بین المللی در این ارتباط چه اقدام جدی و بنیادینی را به انجام رسانیده است؟ در نهایت به نظر می رسد این همه هیاهو به مناسبت روزهای همبستگی زنان در کشور، زمینه دست یابی زنان کشور به حقوق اساسی شان دشواری های بسیاری وجود دارد و علی رغم برخی تلاش ها هنوز تا عملی ساختن شعارهای هشت مارچ در جامعه فاصله و راه بسیار طولانی و درازی را پیش روی داریم.

را رسیده و پس از تجاوز وی را کشته اند. سخنگوی قوماندانی امنیه این ولایت به خبرنگاران گفته است دو روز پیش، سه مرد این دختر را از روستای یوریاپاف ولسوالی اشکمش این ولایت روده بودند که پس از تجاوز گروهی این دختر به قتل رسانیده شده است. هم چنین در عرصه فعالیت سیاسی زنان و فراهم گردانیدن نقش زنان در این عرصه اعتراض ها و انتقادهای جدی وجود دارد. چنانچه یک هفته پیش دهها تن از زنان از سهم ناچیز زنان در ساختار کابینه شاکمی بوده و دست به اعتراض زدند. معترضان خواستار نقش برجسته زنان در کابینه حکومت وحدت ملی شدند. آنان در اعتراض های خود خواسته های را مطرح نمودند که رئیس جمهور بارها به آن تعهد سپرده و قول داده بود که در کابینش هم چنین کمیسرین مستقل حقوق بشر افغانستان نیز ضمن ارائه گزارش های حقوق بشری خود از افزایش انواع خشونت ها نسبت به زنان و نیز محدود شدن شرایط اجتماعی برای فعالیت زنان در عرصه های مختلف شدیداً ابراز نگرانی نموده است. حال به مناسبت هشت مارچ روز جهانی همبستگی زنان جهان، که در افغانستان از سوی نهادهای مدنی و نیز حکومت تجلیل بعمل می آید باید این

تقویت می نماید. از سوی دیگر خودکشی گزینہ ای برای نجات از خشونت پدیده و نمونه ای دیگر است از وضعیت تأسفبار زنان در جامعه و سیستم قضایی و عدلی کشور. متأسفانه شرایط موجود در جامعه و شیوه برخورد حکومت در اجرای قوانین بگونه ای است که خودکشی زنان برای نجات از خشونت، و فرار از خانه برای رفتن به مدرسه، تنها گزینه های بشمار می آیند که زنان خواسته یا نخواستہ به آن روی آورده اند. برای دریافت وضعیت نگران کننده زنان در کشور می توان به آمارها و گزارش های نشر شده مراجعه نمود. در اینجا به چند مورد از گزارش های تقض حقوق بشری درباره زنان اشاره می گردد. در تازه ترین گزارش نشر شده آمده است که یک سرباز پولیس مربوط به لوی هفتم امن و نظم عامه هرات خانم خود را بعد از زدن و کوب شدید به قتل رسانده است. یک منبع امنیتی که نخواست نامش فاش شود، گفت: این پولیس صبح روز گذشته در منطقه چهار باغ فیروزه ولسوالی انجیل خانم خود را بعد از لت و کوب شدید، به قتل رسانده است. تاکنون انگیزه قتل معلوم نیست. در گزارش نشر شده دیگری آمده است که مسوولان امنیتی در ولایت تخار می گویند: گروهی از مردان ولسوالی اشکمش این ولایت یک دختر ۱۴ ساله

سرمایه اجتماعی

ساخت اجتماعی هستند و کنش های معین افرادی را که در درون ساختار هستند، تسهیل می کنند. سرمایه اجتماعی مانند شکل های دیگر سرمایه است و دستیابی به هدف های معینی را که در نبود آن دست یافتنی نخواهد بود، امکان پذیر می سازد. سرمایه اجتماعی مانند سرمایه فیزیکی و انسانی کاملاً تعویض پذیر نیست؛ اما نسبت به فعالیت های به خصوصی تعویض پذیر است. شکل معینی از سرمایه اجتماعی که در تسهیل کنش های معین ارزشمند است، ممکن است برای کنش های دیگر بی فایده یا حتی زیانمند باشد. سرمایه اجتماعی نه در افراد و نه در ابزار فیزیکی تولید قرار ندارد. (کلمن، ۱۳۷۷، ص ۴۶۲) کلمن با استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی سعی در شناخت نقش هنجارها در داخل خانواده یا شبکه های اجتماعی داشت تا از این طریق بتواند موجب تقویت سرمایه های انسانی شود. به همین دلیل هم است که او سرمایه اجتماعی را شامل آن جنبه از ساخت اجتماعی می داند که کنش های متقابل افراد را درون ساختار اجتماعی تسهیل می کند. در کنار بورديو و کلمن، روبرت پاتنام، جامعه شناس ایتالیایی، از معدود افرادی است که سرمایه نیروی خود را روی مفهوم سرمایه اجتماعی متمرکز کرده و پژوهش های بنیادینی برای سنجش و کاربردهای این واژه به انجام رسانده است. تاکید عمده وی بر نحوه تأثیر سرمایه اجتماعی بر رژیم های سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف استوار است. پاتنام سرمایه اجتماعی را مجموعه ای از مفاهیم، مانند اعتماد، هنجارها و شبکه ها می داند که موجب ایجاد ارتباط و مشارکت بهینه اعضای یک اجتماع شده و در نهایت منافع متقابل آنان را تأمین خواهد کرد. از نظر وی، اعتماد و ارتباط هستند که در کنش های اعضای جامعه موجود است. پاتنام سرمایه اجتماعی را به عنوان وسیله ای برای رسیدن به توسعه سیاسی و اجتماعی در سیستم های سیاسی می داند.

که در یک سازمان وجود دارد، مانند تحصیلات عالیه اعضای سازمان که این نوع سرمایه نیز در برخی موارد و تحت شرایطی قابل تبدیل به سرمایه اقتصادی است و سرانجام شکل دیگر سرمایه، سرمایه اجتماعی است که به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می تواند به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه های مجموعه منابع واقعی یا مجازی ای است که به واسطه مزیت پایدار شبکه ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی های متقابل، به افراد یا گروه ها تسلیق می گیرد. از نظر بورديو سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده یا آشنایی های دو جانبه و محترم هستند. (فیلد، ص ۲۳)

بر اساس تعریف بورديو سرمایه اجتماعی مجموعه منابع واقعی یا مجازی ای است که به واسطه مزیت پایدار شبکه ها و روابط سازمانی مستحکم و شناخت و آگاهی های متقابل، به افراد یا گروه ها تسلیق می گیرد. از نظر بورديو سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموع منابع فیزیکی یا غیرفیزیکی در دسترس فرد یا گروهی که دارای شبکه نسبتاً بادوامی از ارتباطات نهادینه شده یا آشنایی های دو جانبه و محترم هستند. (فیلد، ص ۲۳)

این نکته ای است که جان فیلد، استاد دانشگاه استرلینگ در انگلستان، نیز در کتاب خود مورد تأکید قرار داده است؛ البته با توجه به این نکته که این درگیر شدن عاملان اجتماعی، هم جنبه های مثبت دارد و هم جنبه های منفی.

به عنوان مثال فیلد در فصل دوم از کتاب خود که «کشف قدرت شبکه ها» نام دارد سوبه های مثبت قضیه را مطرح می کند و نشان می دهد که چطور می توان از سرمایه های اجتماعی برای امور مختلف اجتماعی از جمله ایجاد توسعه و رفاه استفاده کرد. او در فصل سوم از کتاب خود که «قدم زدن در طرف تاریخ» نام دارد سوبه های منفی را مورد تأکید قرار داده و عنوان می کند که اساساً سرمایه اجتماعی به عنوان یک تیغ دولبه عمل می کند و دقیقاً می تواند مانع توسعه باشد.

به این صورت در واقع کنشگران از شبکه های اجتماعی به عنوان ابزاری برای رسیدن به مقاصد خود بهره می برند و هیچ تضمینی مبنی بر سازنده و اخلاقی بودن این مقاصد و اهداف وجود ندارد. آنچه فیلد در کتابش مورد تحلیل و بررسی قرار می دهد بیشتر یک توصیف دقیق و اجمالی از کارهایی است که اندیشمندان پیشین درباره سرمایه اجتماعی به انجام رسانده اند. او همچنین در فصل های پایانی کتابش به مسائل نوین درباره سرمایه اجتماعی اشاره می کند.

«سرمایه اجتماعی در دنیای (فرا) مدرن» و «سرمایه اجتماعی ابزاری برای سیاستگذاری» فصل هائیس هستند که فیلد تلاش کرده در آنها به زوایایی از مفهوم سرمایه اجتماعی بپردازد که در آرای نظریه پردازان اصلی از جمله کلمن، بورديو، پاتنام و... چندان مورد بحث قرار نگرفته است.

به عنوان نمونه بورديو چهار نوع سرمایه را شناسایی کرده است که این اشکال سرمایه عبارتند از: سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین (تاجبخش، ۱۳۸۴، ص ۱۳۱) شکل اقتصادی سرمایه بلافاصله تبدیل به پول می شود. مانند دارایی های منقول و ثابت یک سازمان. سرمایه فرهنگی نوع دیگر سرمایه است

بررسی متون پژوهشی و نظری درباره سرمایه اجتماعی، روشن می سازد که برای پژوهشگران اجتماعی رابطه این مفهوم با سایر مفاهیم تا چه اندازه گسترده بوده و این ارتباط را تا کجا می توان پیش برد. عده ای در این میان رابطه سرمایه اجتماعی را با سلامت فردی، بیهوشی و دیگر شاخص های مربوط به حوزه فیزیکی و زیست انسانی مورد سنجش و اثبات قرار داده اند.

نظریه پردازان و عالمان، مفاهیم را برای فکر کردن و عمل کردن برمی سازند و به خدمت می گیرند؛ اما گاه این مفاهیم هستند که بشر را به خدمت می گمارند. بی شک وقتی برای نخستین بار «لیدا جی. هانفان، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در امریکا،



روزنامه افغانستا از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستا میباشد.

روزنامه افغانستا بخش دری و پشوی روزنامه اوت لوک افغانستا است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسول: محمد رضا هویدا  
سرمدیر: حفیظ الله زکی

کاریکاتورست: خالق علی زاده

دبیران: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی  
مسئول وب سایت: محمد علی بهرامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷